

Investigating the Discursive Evolution of Order, Regularity and Social Issues of Women and Family in the Press of the Constitutional and Pahlavi Periods (Case Study: Women's Language Magazine)

Parisa Haj Babaei¹; Hossein Moftakhari²; Mohammad Hasan Razanhan³;
Mirhadi Hosseini⁴

Received: 14/12/2021 Accepted: 18/06/2022

Abstract

Background and aim: The constitutional revolution shook the foundations of the authoritarian system and some customary traditions of the society; traditions that had been preserved without change for several centuries and were taken care of by political and religious agents. According to the author, the constitutional period, 1906-1979, more than changing the political institutions, it invaded the cultural and social arenas. One of these transformations in the mentioned fields was women leaving the home environment and demanding equal rights based on new ideas. The formation of the women's free press and their activism created a favorable environment for women's growth and development. The Journal of Women's Language was one of the reliable, long-standing and fanatical journals in the field of women, which during its three periods of publication from the Qajar period to the second Pahlavi, was on the path of women's awakening. had a prominent role. The purpose of the article is to analyze the data of the newspaper in relation to the social and political status of women, such as the necessity of the field of education, the evolution of social, political and economic participation and legal activities in the mentioned era.

Method: This research aimed to categorize and analyze the social and cultural demands of women from among the articles and speeches of the Language of Women magazine with descriptive and analytical methods and library studies. In this research, three periods of newspaper publication in the years 1906 to 1945 have been examined, and the texts related to the topics under the findings of the research have been taken, categorized, selected, and finally analyzed with the historical method and approach.

Results: The study showed that the women's rights activists in this publication were looking for the right to equal education compared to men, to be present in the political and economic arena, to improve health conditions, and to present a general model of the role and importance of the mother in the family. By expressing the achievements of women from other societies, they were trying to make Iranian women aware of their position and alert them to demand their rights.

Keywords: women, family, women's language, social rights, order, education.

1 PhD student of history of Kharazmi University (corresponding author);
hajibabaei1@gmail.com

2 Professor of the History Department of Kharazmi University; moftakhari@khu.ac.ir

3 Associate Professor of the Department of History, Kharazmi University;
hasan_razanhan@yahoo.com

4 Assistant Professor of Department of History, Kharazmi University; hosseini@khu.ac.ir

بررسی تحول گفتمانی نظم، انتظام و مسائل اجتماعی زنان و خانواده در مطبوعات دوره مشروطه و پهلوی (نمونه موردی: نشریه زبان زنان)

پریسا حاج بابایی^۱؛ حسین مفتخری^۲؛ محمد حسن رازنهان^۳؛ میرهادی حسینی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

چکیده

زمینه و هدف: انقلاب مشروطیت پایه های نظام استبدادی و برخی سنت های مرسوم جامعه را لرزاند؛ سنت-هایی که در پی سده های گوناگون بدون تغییر حفظ شده بود و از سوی کارگزاران سیاسی و دینی مراقبت می-شد. به گمان نگارنده، دوره مشروطه، ۱۲۸۵-۱۳۵۷، بیش از آنکه نهادهای سیاسی را دستخوش تغییر کند، عرصه های فرهنگی و اجتماعی را درنوردید. یکی از این دگرگونی ها در حوزه های یادشده، خارج شدن زنان از محیط خانه و مطالبه حقوق برابر بر مبنای اندیشه های جدید بود. شکل گیری مطبوعات آزاد زنان و کنشگری آنها، زمینه مساعد رشد و ترقی بانوان را به وجود آورد. نشریه زبان زنان یکی از جراید معتبر، دیرپا و متعصب حوزه زنان بود که در طول سه دوره انتشار از قاجاریه تا پهلوی دوم، در مسیر بیداری زنان نقش برجسته-ای داشت. هدف مقاله تحلیل داده های روزنامه در نسبت با وضعیت اجتماعی و سیاسی زنان نظیر ضرورت حوزه آموزش، تحول مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و فعالیت های حقوقی در عصر یادشده است.

روش: این تحقیق بر آن است تا با روش توصیفی و تحلیلی و مطالعات کتابخانه ای، خواسته های اجتماعی و فرهنگی زنان را از میان مقالات و گفتارهای نشریه زبان زنان دسته بندی و تحلیل نماید. در این پژوهش سه دوره انتشار روزنامه در سال های ۱۲۹۸ تا ۱۳۲۴ مورد بررسی قرار گرفته است و متون مرتبط با مباحث ذیل یافته های تحقیق فیش برداری، دسته بندی، گزینش و درنهایت با روش و رویکرد تاریخی تحلیل شده اند.

یافته ها و نتایج: مطالعه نشان داد که فعالان حقوق زنان در این نشریه، به دنبال حق آموزش برابر در مقایسه با مردان، حضور در عرصه سیاسی و اقتصادی، بهبود شرایط بهداشتی و ارائه الگوی عام از نقش و اهمیت مادر در خانواده بودند. آنها سعی می کردند با بیان دستاوردهای زنان دیگر جوامع، زن ایرانی را به جایگاه خود واقف و آنان را برای مطالبه حقوق خویش هوشیار کنند.

واژه های کلیدی: زنان، خانواده، زبان زنان، حقوق اجتماعی، نظم و انتظام، تعلیم و تربیت.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)؛ hajibabaei@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی؛ moftakhari@khu.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی؛ hasan_raznahan@yahoo.com

۴. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی؛ hosseini@khu.ac.ir

مقدمه

بیداری، مهم‌ترین و رساترین اصطلاح و شعاری است که از بدو انقلاب مشروطیت تا کنون سرداده شده است؛ چنان‌که یکی از کوشش‌گران انقلاب مشروطه، نام کتاب خویش را «تاریخ بیداری ایرانیان» گذاشت. بیداری به معنای هوشیاری و آگاهی است؛ آگاهی از قضایایی که به عمد از ما پوشانده شده و قرار نیست از طریق مراجع فرادستی و سلطه‌گر به خفتگان جاهل آموخته شود. بنابراین وقتی از بیداری سخن گفته می‌شود، منظور معنی مصطلح، جاافتاده و کاربردی آن نیست، بلکه کنه و عمق آن مفهوم مورد نظر است. بیداری در ادبیات مشروطه خواهان، خارج شدن از خواب غفلت است؛ غفلت از تغییرات و تحولات دنیای معاصر. آن‌ها معتقد بودند که تلقی حکومت‌های سلطه‌گر در قالب انتخاب شاه از سوی خدا و چینش وظایف شاه و رعیت آن قداست و مقبولیت خود را از دست داده و دیگر حنای آنان در برابر ورود اندیشه‌های جدید و تحول اذهان جمعی رنگی ندارد. به عبارت دیگر، باور بر این بود که ستون‌های سنن مرسوم ولی نامعقول جامعه، در برابر تندباد مدرنیته یکی پس از دیگری سقوط خواهد کرد و وظیفه آنان آموزش و مطالبه گزاره‌های نوین است. از این‌رو، افزایش و رشد سرسام‌آور جراید و انجمن‌های دوره مشروطیت طی ۲ سال اول انقلاب، حاکی از این رویکرد است. به استناد بررسی‌های برخی از پژوهشگران، پس از انقلاب مشروطه تا استبداد صغیر، چیزی بیش از ۲۰۰ انجمن و ۱۰۰ روزنامه تاسیس شد. این عطش برای بیداری مردم و رسوایی فعالیت‌های مضر سلطنت، برای ملتی که حدود ۹۰ درصد آن در بی‌سوادی به سر می‌برد، در نوع خود یک رکورد جهانی است؛ رکوردی که نشان می‌دهد ملتی خواهان گسست از شرایط استبدادی به وضعیتی مشروطه است. با این حال، جراید نقش وسیعی در بیداری ملت داشتند؛ ابعاد این قضیه از نامه‌های ارسالی مردم به جراید مشخص است، البته مردمی که برخی از آن‌ها حتی سواد خواندن و نوشتن نداشتند و با تلاش دیگری می‌خواستند صدای خود را هر چه رساتر به دولتمردان و مردم برسانند.

با این فرض که سطح سواد مردان جامعه بسیار پایین بوده است، وضعیت زنان قابل حدس و گمان است. آنان نقشی در جامعه و سیاست نداشتند. حضور آنان در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی بسیار کم‌رنگ بود؛ لیکن زنان درباری و آن‌هایی که در حرم خاندان‌های قدرتمند زندگانی می‌کردند، نقش برجسته‌ای در توطئه‌های سیاسی داشتند. برخی از آن‌ها نیز خدمات اجتماعی زیادی داشتند و اموالی را برای تاسیس مریض‌خانه، حمام و مسجد و... وقف می‌کردند. با این حال، زنان شهری در جنبش‌های قرن ۱۴ نظیر جنبش تنباکو و شورش‌های مختلف نظیر بلوای نان و... شرکت جستند و نشان دادند ظرفیت زیادی برای حضور سیاسی و اجتماعی دارند.

با شکل‌گیری انقلاب مشروطیت، زنان آگاه و روشن‌اندیش فعالیت‌های خود را گسترش دادند. نخستین تکاپوهای آنان در تاسیس مدارس و جراید رقم خورد. مطبوعات زنان آکنده از مباحث اجتماعی جدید و اصلاح سنت‌های ناپسند بود. نقش مادری و تربیت‌پسندیده فرزندان نخستین راهبرد آنان برای پالایش جامعه پریشان‌ایرانی بود. احیای حیثیت زن ایرانی در مقایسه با اروپائی‌ها، فعالان زنان را مجاب کرد که برای آگاهی‌بخشی زنان کوشش‌های خستگی‌ناپذیری انجام دهند. یکی از این زنان فعال، صدیقه دولت‌آبادی بود. او در راستای تقویت جایگاه زن در جامعه ایرانی، فعالیت‌های زیادی انجام داد. نشریه «زبان زنان» تنها یکی از اقدامات وی به‌شمار می‌رود که سهم بسزائی در تولید ادبیات مربوطه به زنان داشت. علت انتخاب نشریه زبان زنان، یکی نبود پژوهش‌متقن درباره موضوع تحقیق و دیگری دیرپایی آن بود؛ به عبارت دیگر، این نشریه تنها ورقه زنانه بود که در دو دوره قاجاریه و پهلوی دوم منتشر شد و بر این اساس بررسی آن می‌توانست مسیر تحول حوزه زنانه را به‌خوبی آشکار کند. لاجرم علت یادشده ضرورت بررسی موضوع را نمایان می‌کند. این مطالعه، به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است: ۱. روزنامه تخصصی زبان زنان در بیداری زن ایرانی چه نقش ایفا کرد؟ ۲. مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در نشریه زبان زنان چه بوده است؟

زندگی و گرایشات سیاسی صدیقه دولت آبادی: صدیقه دولت آبادی فرزند میرزاهادی دولت آبادی و خواهر یحیی دولت آبادی بود (حجازی، ۱۳۸۸، ص ۷۰). او در شهر اصفهان متولد شد. تحصیلات خود را زیر نظر آقا شیخ محمد رفیع طاری با فارسی و عربی آغاز کرد و دروس متوسطه را نزد دبیران دارالفنون فرا گرفت. او پس از کسب دانش و معرفت لازم، در ۱۵ سالگی به عقد دائم دکتر اعتضادالحکما در آمد (انستیتوی بین المللی تاریخ اجتماعی، شماره سند ۱۰۱۷ A18؛ باقری، ۱۳۹۰، ص ۲۴۹) و در سال ۱۲۹۶ ش. به اصفهان بازگشت و چون تا آن زمان در اصفهان مدرسه دخترانه‌ای وجود نداشت، نخستین مکتب خانه خود را به نام «مکتب شرعیات» تاسیس و کار آموزشی خود را شروع کرد. او مبدع تاسیس انجمن شرکت خواتین اصفهان در سال ۱۲۹۷ ش بود. فعالیت‌های این انجمن در راستای تعلیم و تربیت زنان جای می گرفت. در کنار توجه به زنان بزرگسال طبقه متوسطه، نیم نگاهی نیز به دختران بی بضاعت داشت؛ تاجائی که دبستانی به نام ام‌المدارس ایجاد کرد و مدیریت آن را برعهده دوست متفکرش مهرتاج درخشان سپرد (دولت آبادی، ۱۳۷۷، ص ۶). او سه سال بعد روزنامه زبان زنان را که اولین نشریه بانوان ایران است در اصفهان منتشر ساخت. صدیقه دولت آبادی در سال ۱۳۰۰ ش «انجمن آزمایش بانوان» را به منظور ترویج کالاهای داخلی و تاسیس دبستان برای دختران بی بضاعت تأسیس کرد (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۱۰۶۲۹) و روزنامه زبان زنان را ارگان رسمی آن قرار داد. دولت آبادی اولین زن ایرانی بود که در کنگره بین المللی زنان در سال ۱۳۰۱ به نمایندگی از زنان کشور ایران در برلین سخنرانی کرد. وی در ۱۳۰۲ ش برای معالجه به اروپا رفت. پس از بهبود، در کالج شبانه‌روزی زنان در پاریس به تحصیل پرداخت (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۱۱۱۸۴) و سپس از دانشگاه سوربون در رشته تعلیم و تربیت فارغ‌التحصیل شد (دولت آبادی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱/۶؛ همان، صص ۶۳۷-۶۳۸/۳). وی اواخر سال ۱۳۰۶ ش به ایران بازگشت و با تلاش فروان در ۱۳۱۵ ش به ریاست کانون بانوان رسید (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۳۶۴۶۷). این کانون نخستین سازمان زنانه‌ای بود که با حمایت دولت به وجود آمده بود (بامداد، ۱۳۸۷، ص ۹۱). کتاب آداب معاشرت (آستان

قدس رضوی، ش سند ۳۹۵ د ۷۷۹ آ) او در کلاس‌های پیشاهنگی تدریس می‌شد (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۳۷۲۵۵). او سرانجام در سن ۸۰ سالگی درگشت (خواندنی‌ها، ۱۳۳۹، ص ۵۹؛ اطلاعات بانوان، ۱۳۴۰، ص ۲) و در زرگنده به خاک سپرد شد (دژم، محبوب و بکایی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۸).

مروری بر تاسیس نشریه زبان زنان: نشریه زبان زنان از آغاز انتشار اولیه تا پایان دوره سوم، مسیر پرپیچ و خم و دشواری را طی کرد. نوبت اول به صورت دو هفته نامه در سال ۱۲۹۸. ش در اصفهان شکل گرفت و دیری نپائید که دردی ماه ۱۲۹۹ متوقف گردید. این دوره انتشار با آشفتگی سیاسی و رفت و برگشت کابینه‌ها همزمان بود. در مدت عمر دوساله‌اش با انواع حوادث ناگوار روبه‌رو شد، ولی با فداکاری کارکنانش پابرجا ماند تا اینکه توقیف گردید. دوره دوم سیزده ماه بعد این بار در تهران به صورت ماهنامه در سال ۱۳۰۰ منتشر شد، ولی ۱۱ شماره بیشتر اجازه نشر نیافت. آخرین نوبت آن در سال ۱۳۲۱ پس از بازگشت صدیقه دولت‌آبادی از اروپا منتشر گردید (قاسمی، ۱۳۴۷، ص ۱۴۹؛ ابوترایبان، ۱۳۶۶، ص ۹۸؛ زبان زنان، ش ۱، ۱۳۲۱ ش، ص ۳؛ و ساکما، شماره سند، ۲۹۷/۳۶۰۸۱).

پیشینه پژوهش: در ادبیات موجود، مقالاتی درباره نشریات زنانه تدوین شده است. یکی از این مقالات نوشته بهشتی سرشت و پرویش (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در مطبوعات عصر قاجار (با تأکید بر نشریه نامه بانوان)» است. این مقاله مطالبات اجتماعی زنان دوره مشروطه را بر اساس روزنامه «نامه بانوان» مطرح می‌کند. در این مقاله، دوره طولانی انتخاب شده باعث شده که نویسندگان به صورت خلاصه و تیتروار به برخی مطالبات زنان اشاره کنند و به مطالبات اصلی هیچ اشاره‌ای نشده است. مطالعه دیگر، «بررسی مطالبات اجتماعی زنان در جراید عصر مشروطه (با تأکید بر نامه نگاری‌های زنان در روزنامه ایران نو)»، نوشته علی‌زاده و باغدار دلگشا (۱۳۹۵) است؛ هدف این مطالعه، بررسی مطالبات اجتماعی زنان در مطبوعات عصر مشروطه با تأکید بر روزنامه «ایران نو» است. تفاوت مطالعه حاضر با مقالات یادشده در این است که اولاً شرایط زمانی این مجله

با دیگر پژوهش‌های زنانه متفاوت است و دوره پهلوی دوم را شامل می‌شود؛ در حالی که نشریات دیگری که مقالاتی هم درباره آن‌ها نوشته شده دوره مشروطه و قاجار را در برمی‌گیرد. تفاوت دیگر در این است که این مقاله به صورت تحلیلی و مفصل در باب شکل‌گیری و تحول اندیشه آموزشی مدرن زنانه، تحول بنیادین در قوانین طلاق و ازدواج، آسیب‌شناسی و ارائه راه‌حل برای مسائل زنان به ویژه در حوزه آزادی و حقوق فردی زنان و همچنین مبارزه با خرافات بحث کرده است که مقالات یادشده از این مباحث به سادگی می‌گذرند. علاوه بر این سعی شده که از منظر روزنامه زبان زنان، نقش و تأثیر تربیتی زن در خانواده و اجتماع و تحول جوامع بررسی شود.

روش

این تحقیق بر آن است تا با روش توصیفی و تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای، خواسته‌های اجتماعی و فرهنگی زنان را از میان مقالات و گفتارهای نشریه زبان زنان دسته‌بندی و تحلیل نماید. در این پژوهش سه دوره انتشار روزنامه در سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۲۴ مورد بررسی قرار گرفته است و متون مرتبط با مباحث ذیل یافته‌های تحقیق فیش برداری، دسته‌بندی، گزینش و درنهایت با روش و رویکرد تاریخی تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها

حق آموزش مهم‌ترین و ابتدائی‌ترین خواسته زنان متفکر بود. تاسیس مدارس به سبک جدید، استقلال از مدارس دخترانه میسیونری، تدوین دروس مناسب و موثر بر آموزش دختران، تقبیح یکسویه نگری و هیچ‌انگاری نیمی از جامعه، تنها بخشی از مطالبات و انتقادهای اجتماعی و فرهنگی زنان بود (بیطرفان، یزدانی، مفتخری و فلاح، ۱۳۹۶، ص ۱۷۴). بنابراین تعلیم و تربیت زنان و دختران در اولویت جراید زنان و به خصوص نشریه زبان زنان قرار گرفت. در این نشریه لزوم تربیت به سبک زنانه، تاسیس مدارس دخترانه و... به طور مدام و مکرر گوشزد می‌شد.

ایده مدرسه دختران پیش از مشروطیت شکل گرفت. به طور مثال، تاسیس مدرسه تربیت در تبریز با همکاری تقی زاده در سال ۱۳۱۹ ق و افتتاح مدرسه پرورش توسط طوبی

رشدیه در سال ۱۳۲۱ ق دیری نپائید و از سوی مخالفان برهم زده شد. با این حال پس از انقلاب مشروطه رفته رفته تاسیس مدارس دختران مرسوم شد، هر چند مخالفان در ابتدا از مخالفت دست نمی‌شستند. مدارس همچون دوشیزگان توسط بی بی خانم وزیراف در سال ۱۳۲۴ ق و مدرسه ناموس توسط طوبی رشدیه در سال ۱۳۲۶ ق گشوده شد (بیطرفان و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۷۱). با این حال، توسعه اصلی مدارس دخترانه از سال ۱۲۹۷ آغاز گردید (ساکما، شماره بازیابی، ۲۹۷۰۰۰۳۶۹). در کنار مدارس نظری، رفته رفته با تلاش فراوان مشروطه خواهان، بستر تاسیس مدارس صنعتی هم فراهم شد تا دانش آموزان بتوانند علمی مثل همسرداری، آشپزی، حفظ الصحه و خیاطی را در این مدارس آموزش ببینند و روزنامه‌هایی همانند زبان زنان آن را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اصلاحات نظام آموزش و پرورش نوین تلقی می‌کردند.

محور اصلی روزنامه‌های اولیه زنان نیز مسئله تعلیم و تربیت زنان و دختران بود؛ چنانکه نشریه زبان زنان در مقاله‌ای انتقادی علت این که مشروطیت نتوانسته قوه حقیقی خود را به‌دست بیاورد را این می‌داند که صاحبان حقوق که اکثریت ملت را تشکیل می‌دهند، بی‌سوادند و به علت بی‌سوادی به حقوق خودشان آشنا نیستند. بنابراین آزادی و حکومت ملی با جاهل بودن توده ملت نتیجه مطلوب نمی‌دهد، پس باید اول توده را برای خواندن و نوشتن آماده کرد تا فکرش روشن و نیز بتواند از افکار منور نویسندگانی که در صلاحیت ملک و ملت می‌نویسند استفاده کند، راه را از چاه تمیز بدهد؛ آری باید بخوانند و بفهمند (زبان زنان، ش ۱۸، ۱۳۳۸ ق، ص ۱).

زن در جامعه به عنوان مادر و همسر تاثیر مستقیم در رفتار فرزند و شوهر داشت. روزنامه شکوفه اهمیت بسیاری به این مسئله می‌داد (شکوفه، ش ۶، ۱۳۳۱ ق، ص ۲۳). در همین راستا، روشن‌اندیشان بر تربیت اخلاقی دختران بعد از آموزش خواندن و نوشتن تاکید فراوانی داشتند (نامه فرهنگستان، ش ۳، ۱۳۰۳، ص ۱۱۲). روزنامه زبان زنان نیز برای تعلیم و تربیت اهمیت بسزائی قائل بود، به طوری که مقالات اصلی روزنامه، این حوزه را کاملاً پوشش می‌داد. به باور دولت‌آبادی، ارتقا و رشد زنان در جامعه در نسبت با تعلیم و تربیت صحیح

تعریف می شد که آن هم منوط به تاسیس مدارس بود. او زبان زنان را مدرسه سیار می خواند و نقش خود را با طیب یکی می دانست (دولت آبادی، ۱۳۷۷، ص ۶۶۸). نشریه زبان زنان، برای روشن شدن جایگاه تعلیم و آموزش زنان می نویسد: «کشوری که مردانش زنانش را ضعیفه خوانند و آن‌ها را از دانش بازدارند خود از دانش گریزان و زنان شان نادان باشند...» (زبان زنان، ش ۱۵، ۱۳۳۸ق، ص ۲). روزنامه مجلس هم در این رابطه می نویسد: «...البته روا نیست که دختران و خواهران وطن عزیز را از مقامات سعادت علم محروم داریم...» (مجلس، ش ۶، ۱۳۲۴ق، ص ۳). برخی ها هم معتقد بودند زنان تحصیل کرده بهتر می توانند وظایف همسری و مادری خود را در نسبت با زنی که جز امور یومیه در دنیا فکر و خیالی ندارد انجام دهند (کاوه، ش ۶، ۱۳۳۸ق، ص ۴). از این رو، زبان زنان به آموزش اجباری دختران باور داشت (زبان زنان، ش ۱، ۱۳۲۱ق، ص ۳۸).

زبان زنان در شماره ۱۱ مقاله‌ای با عنوان «خواهران بیدار شوید» را منتشر نمود. نویسنده در این مقاله از مردان به علت عدم رعایت انصاف درباره زنان انتقاد کرد. در واقع، نویسنده تنها راه نجات زنان را ایجاد مدارس می دانست (زبان زنان، ش ۱۱، ۱۳۳۸ق، ص ۱). دولت آبادی اعتقاد داشت که وزارت معارف می بایست معلم از خارج بیاورد و اداره ویژه آموزش و پرورش زنان ایجاد کند. یکی از ویژگی‌های این اداره می توانست این باشد که مفتش به مدارس دختران بفرستد و وضعیت آن‌ها را بررسی کند (زبان زنان، ش ۱۱، ۱۳۳۸ق، ص ۱). همچنان که در سال ۱۳۰۷. ش مجلس اجازه داد هشت نفر معلم فرانسوی برای بالا بردن کیفیت تعلیم و تربیت استخدام شوند (احصاییه مدارس ملی اناث، ۱۳۰۴، ص ۷۵). زبان زنان در مقاله‌ای با عنوان «باز هم می نویسیم» بر لزوم تاسیس و افزایش دبستان دخترانه و مجانی و دولتی بودن آن‌ها تاکید می کند (زبان زنان، ش ۵۲، ۱۳۳۸ق، ص ۲). نشریه زبان زنان در فواید ایجاد دبستان و به خصوص ایجاد مدارس دولتی تاکید فراوانی دارد؛ به طوری که در یکی از شماره‌های خود بزرگ‌ترین درمان نابسامانی‌های موجود را ایجاد دبستان می داند. نویسنده این مقاله بر این باور است که دبستان‌های کوچک و بزرگ باید در دهات‌ها و شهرها گشوده شود. همچنین بر قانون تحصیل اجباری که یکی از مواد

قانون اساسی مشروطیت است تاکید دارد. وی از زنان باسواد تهرانی و شهرهای دیگر می‌خواهد که به شهرها و دهات‌هایی بروند که زنان و دختران سواد ندارند و وسایل سهولت تحصیل و تربیت برای آن‌ها را فراهم نمایند (زبان زنان، ش ۳۱، ۱۳۳۸ق، ص ۲). بخشی از نشریه زبان زنان به نامه‌های ارسالی به دفتر روزنامه اختصاص داشت. در یکی از این نامه‌ها زنی به نام قمر صالحی مکتوبی منتشر می‌نماید که در آن خواسته‌ها و مطالباتی دارد. وی در این نامه اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی را، حق تحصیل و ایجاد مدارس دختران در لاهیجان می‌دانست (زبان زنان، ش ۲۵، ۱۳۳۸ق، ص ۴).

دولت آبادی برای توسعه مدارس دخترانه، ثبات مدیریتی را پر اهمیت تلقی می‌کرد؛ چنانکه در نطق ۱۷ دی سال ۱۳۳۰ از دولت وقت (دکتر مصدق) می‌خواهد که وزیر فرهنگ لااقل برای هفت سال در این پست بماند تا بتواند نتیجه برنامه‌ای را که برای آموزش نسل جوان ایران پیشنهاد کرده است به ثمر بنشانند. بنابراین در آموزش معتقد به برنامه‌ریزی و ثبات مدیریتی بود (دولت آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۳).

جایگاه زنان اروپایی، الگوی برداری زنان ایرانی: بستر تغییر جایگاه زنان در جغرافیای کنونی جهان متفاوت بوده است. برخی زنان با توجه به بسترهای فرهنگی و سیاسی زودتر توانستند به حقوق خود دست یابند و انگیزه‌ای شدند برای زنان دیگر نقاط جهان. زبان زنان در یکی از این مقالات به این نکته پرداخت و دوره حیات زن شرقی را به ۳ بخش تقسیم کرد و در نهایت تاسف خورد که در هیچ کدام از این دوره‌ها زنان نتوانستند به حقوق خود دست پیدا کنند (زبان زنان، ش ۲، ۱۳۲۳ش، ص ۱۱). با این حال، بدون شک اطلاع از وضعیت زنان در سایر نقاط جهان می‌توانست در رشد و خودآگاهی زن ایرانی نقش موثری ایفا نماید. از این رو روزنامه نگارانی همانند صدیقه دولت آبادی با انعکاس اخبار پیشرفت این زنان زمینه را برای طرح مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان ایرانی فراهم می‌ساختند. بنابراین انتشار اخبار زنان کشورهای هم‌چون مصر، عثمانی، هند و ژاپن بسیار حائز اهمیت بود. در این راستا، بخشی از مقالات نشریه زبان زنان به فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان کشورهای دیگر به ویژه اروپا و آسیا اختصاص می‌یافت که این امر نقش

موثری در تنویر افکار زنان ایرانی داشت (زبان زنان، ش ۱۳، ۱۳۳۸ق، ص ۴). روزنامه زبان زنان می‌کوشید مسیر رشد اجتماعی را برای زنان طرح کند و با سبک نوین در خلال موفقیت زنان کشورهای دیگر، آنان را به گرفتن حقوق خود تشویق نماید (خانیک، ۱۳۹۱، ص ۵۲). به عنوان نمونه در شماره ۲۵ این نشریه با عنوان «تنبلی» به نتایج یاس و ناامیدی در عقب ماندگی جامعه ایران اشاره می‌کند (زبان زنان، ش ۲۵، ۱۳۳۸ق، ص ۱).

مطالعه و مشاهده توسعه اندیشه‌های جدید در اروپا و موفقیت‌های پی‌درپی زنان در تسخیر جایگاه حقوقی بالاتر و کسب حق رأی و شرکت در ارکان سیاسی دولت‌های مدرن، زبان زنان را ترغیب کرد تا از کاهلان و تنبلان انتقاد کند و آن‌ها را در انجام وظایف خود تشویق نماید. مثلاً دولت‌آبادی معتقد بود برای این که زنان ایران بتوانند به حقوق خود دست پیدا نمایند، باید همانند زنان اروپایی اتحادیه تشکیل دهند تا به رشد اجتماعی برسند (زبان زنان، ش ۲، ۱۳۲۴ق، ص ۲۷).

ضرورت مشارکت سیاسی و حق رأی: نظام‌نامه انتخابات مجلس اول شورای ملی حقی برای زنان قائل نشده بود. ماده پنجم این نظام‌نامه گروه‌هایی که از مشارکت در قدرت سیاسی محروم بودند را ذکر می‌کند که زنان در کنار قاتلین، متکدیان و دیگران حق شرکت در انتخابات را نداشتند (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲، ص ۳/۶۰۳). به همین خاطر، دولت‌آبادی در مقاله‌ای با عنوان «ضعف مشروطیت ما» قانون اساسی مشروطه را به نقد می‌کشید (زبان زنان، ش ۳، ۱۳۲۴ش، ص ۱۷).

اگر چه حق رأی زنان در مجلس مورد بحث‌های فراوانی قرار گرفت، اما این باعث نشد تا زنان بتوانند در انتخابات شرکت کنند (مشروح مذاکرات مجلس، دوره دوم، ۱۳۲۹ق). این مساله تا بعد از شهریور ۱۳۲۰ ادامه داشت که حزب توده در نخستین کنگره خود در ۱۰ مرداد ۱۳۲۳ مساله حقوق زنان را در برنامه خود گنجانده و در بند ۶ برنامه‌های خود حق رأی را برای زنان به رسمیت شناخت. اما این امر نیز در مجلس چهاردهم با مخالفت‌های جدی همراه شد (مشروح مذاکرات مجلس، دوره چهاردهم، ۱۳۲۳ش). با وجود این مخالفت‌های گسترده، زنان از مواضع خود عقب نشستند و خواستار مشارکت سیاسی زنان در صحنه

سیاسی بودند. دولت‌آبادی در رابطه با درخواست‌های سیاسی زنان از محرومیت حق رأی آنان گلایه‌های فراوانی داشت (زبان زنان، ش ۲۳، ۱۳۳۸ق، ص ۲؛ زبان زنان، ش ۲۱، ۱۳۳۸ق، ص ۲) شاید به همین خاطر باشد که صدیقه دولت‌آبادی تنها به فکر منافع اجتماعی ایران و ایرانیان بود (زبان زنان، ش ۲۲، ۱۳۳۸ق، ص ۲).

دولت‌آبادی با مقایسه زنان ایرانی و زنان کشورهای توسعه یافته در زمینه مشارکت‌های سیاسی از مردانی که به فکر زنان نیستند تا بتوانند در مجلس حضور پیدا کنند انتقاد می‌کند. او قانون نویسانی که زنان را از حمال‌ها، ارادل و اوباش‌ها کمتر دانسته سرزنش می‌کند. از این رو او از زنانی که شوهران‌شان به‌عنوان نماینده به مجلس راه پیدا کرده‌اند؛ می‌خواهد تا حق همه زنان محروم شده را طلب کنند (زبان زنان، ش ۴-۵، ۱۳۰۱ش، ص ۵۵).

کوشش زنان و مردان باعث شد تا بالاخره دولت وقت (دکتر مصدق) در اردیبهشت سال ۱۳۳۱ پیش‌نویس لایحه قانون انتخابات را به مجلس ارائه کند که در آن لایحه زنان از حق رأی برخوردار شدند، اما این مسئله با مخالفت گروه‌ها و دسته‌های مختلف سیاسی و اجتماعی روبه‌رو شد، تاجایی که دولت مجبور شد که مسئله حق رأی را از پیش‌نویس حذف کند. یکی از نمایندگان که از هر فرصتی برای مخالفت با این لایحه استفاده می‌کرد سید شمس‌الدین قنات‌آبادی نماینده شاهرود بود. نمایندگان دیگری هم بودند که مخالف این لایحه بودند (مشروح مذاکرات مجلس، دوره هفدهم، ۱۳۳۱ش، ص ۱۰). برخلاف مخالفان حق رأی زنان، عده‌ای هم مانند اتحادیه پزشکان، کارمندان زن در ادارات دولتی، سازمان زنان ایران و... موافق حق رأی زنان بودند (مرکز اسناد مجلس شورای ملی، دوره ۱۷، کارتن ۴۶، پوشه ۲). به همین دلیل نامه‌های فراوانی در همین ارتباط به دکتر مصدق فرستادند. تلگراف‌های زیادی به نخست‌وزیری، دکتر مصدق، در خصوص تصویب قانون جدید انتخابات و عدم حق رأی زنان فرستاده شد (ساکما، شماره سند ۲۳۰/۲۰۰۷۵). صدیقه دولت‌آبادی به همین منظور در اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ش نامه‌ای به دکتر محمد مصدق نوشت و در آن گنجانیدن حق رأی زنان در قانون انتخابات را درخواست کرد (سند شماره ۵).

زبان زنان در کنار مبارزه برای به دست آوردن حق رأی، مشارکت در مباحث سیاسی را لازمه زندگی اجتماعی زنان می دانست. این اندیشه در مقالات روزنامه زبان زنان که به مسائل سیاسی می پرداخت، مستتر است. از جمله این مقاله ها می توان به عناوین زیر اشاره کرد: «قانون اساسی» (زبان زنان، ش ۲۴، ۱۳۳۸ق، ص ۴)؛ «امروز ما کابینه مشیرالدوله» (زبان زنان، ش ۳۶، ۱۳۳۸ق، ص ۱-۲)؛ «کابینه وثوق الدوله افتاد» (زبان زنان، ش ۳۲، ۱۳۳۸ق، صص ۱-۲)؛ «ایران در یک سلسله حوادث سیاسی و تاریخی» (زبان زنان، ش ۳۴، ۱۲۹۹ش، ص ۱) و... در این مقالات رخدادهای سیاسی و تحولات میدانی ایران، نقد عملکرد دولت ها، بررسی سیاست های کشورهای بیگانه مثل روسیه و انگلیس تبیین می شد. به عنوان نمونه، درباره شق آخر، نشریه زبان زنان در شماره ۳۶ خود طی مقاله ای از کسانی که امتیازات را به بیگانگان به ویژه انگلستان می دهند انتقاد می کند (زبان زنان، ش ۳۶، ۱۳۳۸ق، ص ۱). اوج مبارزه نشریه زبان زنان مقابله با قرارداد ۱۹۱۹ بود که در مقالاتی نمایندگان سیاسی دولت انگلیس در ایران و طرفداران آن ها را به باد انتقاد گرفت (زبان زنان، ش ۳۹، ۱۳۳۹ق، ص ۲).

تحول بنیادین در قوانین طلاق و ازدواج: صدیقه دولت آبادی و دیگر روزنامه نگاران زن، شیوه های ازدواج در ایران را نادرست می دانستند و می خواستند قوانین طلاق و ازدواج تغییر یابند و به همین دلیل از وضعیت حفظ الصحه در ایران انتقاد می کردند. از این رو نشریه زبان زنان در مقالات متعددی به ازدواج صحیح و ضرورت انتخاب زوجین و رفتار و اعمال آن ها در قبال یکدیگر پرداخت. در آن زمان برخی از زنان ملاک های ازدواج را عقلایی نمی دانستند (شکوفه، ش ۲۷، ۱۳۳۳، ص ۲). برخی هم ازدواج به سبک اروپایی را مناسب می دیدند (ایران نو، ش ۱۹، ۱۳۲۷ق، ص ۲). نشریه زبان زنان هم به این مساله توجه خاصی داشت. صدیقه دولت آبادی در مقالاتی ملاک های انتخاب صحیح در ازدواج را بیان می کند. به نظر او ازدواج امری طبیعی بود و چند مولفه همچون خودشناسی، دیگرشناسی، سن ازدواج و... می توانست آن را تداوم بخشد (زبان زنان، ش ۲، ۱۳۲۳، ص ۱۱).

نکته دیگر، سن ازدواج بود. دولت‌آبادی در نشریه زبان زنان، ازدواج دختران کم سن با مردان مسن را عامل اصلی پیری زودرس زنان تلقی می‌کرد. بنابراین، سبک زندگی و ازدواج در ایران را غلط می‌پنداشت و اعتقاد داشت: «اصول زندگانی در ایران غلط است، اصول ازدواج غلط است و تا اصول زندگانی و ازدواج اصلاح نشود، ایرانی پا به دایره تمدن حقیقی نخواهد گذاشت» (زبان زنان، ش ۳۰، ۱۳۳۸ق، ص ۴؛ همان، ش ۲، ۱۳۰۱ش، ص ۴).

یکی از مسائلی که زبان زنان به آن می‌پرداخت مساله تعدد زوجات بود که آن را عامل بدبختی خانواده‌های ایرانی می‌دانست (زبان زنان، ش ۷، ۱۳۲۳ش، ص ۷). نشریه زبان زنان بر آن بود که تعدد زوجات علقه و محبت را که می‌باید همواره بین زن و مرد باشد متزلزل ساخته و صفای عیش و زندگی را از بین می‌برد (زبان زنان، ش ۷، ۱۳۲۳ش، ص ۳). به همین خاطر دولت‌آبادی از مجلس می‌خواست تا در قوانین ازدواج و طلاق ایران تجدید نظر نمایند.

فرصت‌های شغلی و مشارکت اقتصادی زنان: نشریه زبان زنان به دنبال فرصت‌های شغلی برابر بود و مساله اشتغال و کار زنان را مورد توجه قرار می‌داد (نسوان وطن‌خواه، ش ۷-۸، ۱۳۰۳، ص ۴۲). از نظر دولت‌آبادی زنان باید علاوه بر ایجاد دارالصنایع و تشکیل اتحادیه‌های زنانه، به دنبال یافتن شغل‌های تازه نیز می‌بودند. شاید تاسیس شرکت آزمایش در همین راستا باشد. از نظر دولت‌آبادی زنان خود باید به سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل اهتمام می‌ورزیدند (زبان زنان، ش ۴-۵، ۱۳۰۱، ص ۵۶).

زبان زنان در اشتغال زنان بر ضرورت کار زنان در امور پزشکی، پرستاری و معلمی و بر لزوم داشتن طیبه‌های عالمه و طیبه‌های زنانه تاکید دارد (زبان زنان، ش ۲۹، ۱۳۳۹ق، ص ۴). همچنین معتقد بود زنان باید به نقاشی بپردازند و پیشنهاد تاسیس شرکت و تجارت خانه زنان را مطرح می‌کند (زبان زنان، ش ۱۱، ۱۳۳۸ق، ص ۲). زبان زنان در ادامه از همه زنان می‌خواهد این ذهنیت که ما زن هستیم و نمی‌توانیم کار کنیم، نمی‌توانیم صنعت‌گر شویم و

یا برای ما امکان ندارد فلاحیت بیاموزیم را از ذهن خود بیرون کنند (زبان زنان، ش ۲۵، ۱۳۳۸ق، ص ۲).

دولت آبادی در مقام مقایسه میان زنان کارگر روستایی با زنان کارگر شهری، وضعیت زنان روستایی را به مراتب بهتر از زنان کارگر شهری می دانست (زبان زنان، ش ۴-۵، ۱۳۰۱، ص ۵۶). از این رو، ساماندهی وضع معیشت و کاهش مخارج غیر ضروری یکی از مواردی بود که زبان زنان بر آن تاکید می نمود. نشریه یکی از دانستنی های واجب خانم ها را تحصیل علم معاش می دانست و معتقد بود برای مخارج و عایدات ماهانه خود دفتر مخصوص آخر داشته باشند که درآمد و مخارج شان را از کم تا زیاد در آن دفتر ثبت نمایند (زبان زنان، ش ۳۱، ۱۳۳۸ق، ص ۲).

بحث و نتیجه گیری

تا پیش از انقلاب مشروطیت، قبح طرح مسائل زنانه در میان گروه های اجتماعی به ویژه بخش های سنتی جامعه، اجازه طرح ایده های جدید را نمی داد، به طوری که هر نوع کوششی به منظور تغییر جایگاه زنان حتی با شعار و آرمان اصلاح وضعیت ناسامان زنان در کانون خانواده از مسیر آموزش منطقی دختران، با اعتراض و واکنش معنادار گفتمان سنتی، به شکست آن می انجامید. با این همه، انقلاب مشروطیت زمینه مساعدی فراهم کرد تا برخی از اندیشمندان، نخبگان، مصلحان سیاسی و روی هم رفته معترضان وضع موجود، به انتقاد از وضعیت اجتماعی و سیاسی زنان بپردازند؛ این قضیه پیش از انقلاب با غرولند و همه های کوچک میان برخی زنان و مردان روشنفکر وجود داشت؛ ولی پس از انقلاب با تاسیس جراید آزاد و شکل گیری انجمن های گوناگون، این غرولندهای خرد تبدیل به آوای درشت و فربه انجمن ها و جراید شد. در ابتدا، مطبوعات عمومی نظیر جبل المتین تهران، صوراسرافیل، مساوات، ندای وطن و... صدای اعتراض حامیان حقوق زنان را منتشر کردند. پس از آن، جراید تخصصی زنان نظیر دانش، شکوفه، جهان زنان و زبان زنان این رسالت را بر عهده گرفتند.

روزنامه زبان زنان مهم‌ترین و برجسته‌ترین جریده زنانه در این دوره تلقی می‌شود. صدیقه دولت‌آبادی نویسنده و سردبیر متحول‌خواه این جریده بود. او و همفکرانش در طول سه دوره انتشار این روزنامه، یعنی از اواخر قاجاریه تا ابتدای پهلوی دوم، تمام کوشش و مجاهدت خود را بکار گرفتند تا نگاه به جنسیت زنانه و جایگاه زنان را در جامعه سنتی ایران تغییر دهند. آن‌ها در ابتدا مطالبات به حق و بدوی نظیر آموزش دختران و زنان خانوار و بهبود شرایط بهداشتی را مطرح کردند، ولی بعد از رشد و توسعه مفاهیم مشروطیت در میان اجتماع، مسائل حساسی نظیر مشارکت سیاسی و حق رأی، تامین فرصت‌های شغلی خارج از خانه، آزادی حجاب و تحول در قوانین ازدواج و طلاق را پی گرفتند؛ موضوعاتی که امروزه نیز در بستر جامعه و در نسبت با حکومت با حساسیت و مواضع متفاوتی روبه‌رو است.

در پاسخ به پرسش‌های پژوهش، باید اذعان کرد که تکاپو و کنشگری روزنامه زبان زنان تاثیر عمیقی بر روی نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زنان شهرنشین گذاشت، چنان‌که نتیجه آن را در رشد سریع مدارس دخترانه، شکل‌گیری انجمن‌ها و کانون‌های بانوان، افزایش فعالیت‌های خارج از خانه زنان، مشارکت آنان در نقد وضعیت موجود و تلاش برای تغییر آن و... می‌توان دید.

هر یک از فعالیت‌های یادشده تغییرات شگرفی ایجاد نمود؛ به طور مثال، تاسیس مدارس دخترانه، مساله‌ای که در ابتدا به آن اندیشیده نشده بود و صرفاً از روی سازوکار نسخه غربی شکل گرفته بود، تدوین دروس مناسب و موثر بر آموزش دختران ایرانی بود. به عبارت دیگر، آن‌ها تلاش کردند که دروس نظری و عملی در کنار هم ایجاد شود و سنت‌های معقول و مقبول را نیز پاس دارند. مساله آموزش اجباری دختران هر چند توجهی به آن نشد، ولی گذر زمان نشان داد که تلاش‌های نخستین در به ثمر نشاندن آن بی‌فایده نبوده است.

آموزش، خشت اول حضور پررنگ زنان در جامعه و سیاست بود. یعنی زنان بدون آموزش و به‌خصوص سواد رسمی نمی‌توانستند در اجتماع حضور پیدا کنند. بنابراین، پس

از آموزش نسبی دختران، آن‌ها اکنون امتیازهای بیشتری را می‌طلبند که مشارکت سیاسی و حق رأی یکی از ارکان آن بود. چراکه زبان زنان هم اعتقاد داشت زمانی زنان می‌تواند در عرصه سیاسی و به ویژه مجلس وارد شوند که دارای سواد نسبی باشند.

رفته رفته توسعه آموزش دختران و مشارکت سیاسی آنان، زمینه را برای طرح مسائل دیگر نظیر حق برابر در به دست آوردن فرصت‌های شغلی خارج از خانه و مشارکت در اقتصاد به همراه می‌آورد. ایجاد دارالصنایع و اتحادیه‌های زنانه مقدمه ورود زنان به عرصه اقتصادی بود. حضور در اقتصاد توان آنان را در برابر مردان افزایش می‌داد. به عبارت دیگر، استقلال اقتصادی و افزایش استطاعت مالی، آن‌ها را برای تغییر سنت‌های مردپسند توانمند کرد. بر این اساس، آن‌ها توانایی آن را پیدا می‌کردند که بر روی موضوعات سخت انگشت بگذارند. یکی از این مسائل، حقوق منصفانه در قوانین ازدواج و طلاق بود.

استراتژی زبان زنان برای ترغیب کنشگران عرصه سیاسی به منظور اهمیت دادن به جایگاه زنان، پررنگ کردن موقعیت اجتماعی زنان در غرب و به ویژه کشورهای اسلامی نظیر مصر و عثمانی بود. به عبارت دیگر، این جریده تلاش کرد که نشان دهد پیشرفت غرب و کشورهای اسلامی مرهون مشارکت زنان در بازسازی جامعه بوده است، چراکه اگر نیمی از جامعه حذف می‌شدند، توان و کارایی آنان از بین می‌رفت؛ البته نیمی از جمعیت که وظیفه اولیه تربیت فرزندان یعنی آینده‌سازان کشور را برعهده داشتند.

منابع

۱. ابوترابیان، حسین (۱۳۶۶). مطبوعات ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶. تهران: اطلاعات.
۲. احصاییه مدارس ملی اناث (۱۳۰۴). مجله تعلیم و تربیت. ش ۸-۹.
۳. اسناد مطبوعات ایران (۱۲۸۶-۱۳۳۰ ش) (۱۳۷۲). به کوشش کاوه بیات و مسعود کوهستانی نژاد. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
۴. بامداد، مهدی (۱۳۸۷)، شرح حال رجال ایران. تهران: زوار.
۵. بهشتی سرست، محسن؛ پرویش، محسن (۱۳۹۴). بررسی مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در مطبوعات عصر قاجار (با تأکید بر نشریه نامه بانوان). فصلنامه زن در فرهنگ و هنر. دوره ۷، شماره ۳. قابل بازیابی از: https://journals.ut.ac.ir/article_58298.html

۶. بیطرفان، محمد؛ یزدانی، سهراب؛ مفتخری، حسین؛ فلاح توتکار، حجت (۱۳۹۶). انقلاب مشروطیت و اعتراض علیه جایگاه آموزشی و تربیتی زنان در ایران (۱۲۸۵-۱۲۸۷). فصلنامه علوم اجتماعی. دوره ۲۴، (شماره ۷۹). قابل بازیابی از:

https://qjss.atu.ac.ir/article_8183.html

۷. حجازی، بنفشه (۱۳۸۸). زنان مبارز ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی. تهران: مهری.

۸. خانیکی، هادی؛ کیهانی، معصومه (۱۳۹۱). مدلی برای مطالعه مطبوعات زنان در ایران. تهران: مطالعات فرهنگی و ارتباطات. شماره ۲۸. قابل بازیابی از:

<http://jpsc.iaocsc.ir>

۹. دژم، عذرا؛ محبوب، نلی؛ نیکی محبوب؛ بکایی، لیلا (۱۳۸۴). اولین زنان. تهران: نشر علم.

۱۰. دولت آبادی، صدیقه (۱۳۷۷). نامه‌ها، نوشته‌ها، یادها. به کوشش افسانه نجم آبادی و مهدخت صنعتی. تهران: نگارش و نگارش زن.

۱۱. روزنامه ایران نو، ۱۳۲۷ق.

۱۲. روزنامه ایرانشهر، ۱۳۰۲ش.

۱۳. روزنامه زبان زنان، سال‌های ۱۳۳۱ق، ۱۳۳۸ق، ۱۳۰۰ق، ۱۳۲۱ش، ۱۳۲۳ش، ۱۳۲۴ش.

۱۴. روزنامه شکوفه، سال‌های ۱۳۳۱ق و ۱۳۳۳ق.

۱۵. روزنامه عالم نسوان، ۱۳۰۰ش.

۱۶. روزنامه کاوه، ۱۳۳۸ق.

۱۷. روزنامه گل زرد، ۱۳۳۸ق.

۱۸. روزنامه مجلس، ۱۳۲۴ق.

۱۹. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): رسند شماره ۲۹۷/۱۰۶۲۹؛ ۲۹۷/۱۱۱۸۴؛ ۲۹۷/۳۶۴۶۷؛ ۲۹۷/۳۷۲۵۵؛ ۲۳۰/۲۰۰۷۵؛ ۲۹۷/۳۶۰۸۱؛ ۲۹۷/۰۰۳۶۹؛ ۲۹۷/۰۰۳۶۹؛ ۲۴۳/۲۹۷۰۱.

۲۰. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ش سند ۳۹۵ د ۷۷۹ آ.

۲۱. علیزاده، محمدعلی؛ باغدار دلگشا، علی؛ بررسی مطالبات اجتماعی زنان در جراید عصر مشروطه (با تاکید بر نامه نگاری‌های زنان در روزنامه ایران نو). فصلنامه زن و جامعه. سال هفتم. شماره ۱. قابل بازیابی از:

http://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_1845.html

۲۲. مجله اطلاعات بانوان، سال‌های ۱۳۳۹ش و ۱۳۴۰ش.

۲۳. مجله خواندنی‌ها، ۱۳۳۹ش.

۲۴. محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶). تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. تهران: بعثت.
۲۵. مؤسسه بین المللی تاریخ اجتماعی (آمستردام، هلند)، سندشماره A9 1017 ، A14 107 ، A16 1017 ، A17 1017 ، A18 1017 ، a1 1017
۲۶. ناظم الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۶۲). تاریخ بیداری ایرانیان. به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: آگاه.
۲۷. نامه فرهنگستان، ۱۳۰۳ ش.
۲۸. یزدانی، سهراب (۱۳۸۶). صور اسرافیل: نامه آزادی. تهران: نشر نی.
۲۹. مرکز اسناد مجلس شورای ملی، دوره ۱۷، کارت ۴۶، پوشه ۲، ۱۱. مشروح مذاکرات، دوره دوم، دوره چهاردهم، دوره هفدهم.
30. Abu Torabian, Hossein (1366). Iranian press from 1320 to 1326. Tehran: Etelaat.
31. Alame Nesvan newspaper, 1300.sh.
32. Alizadeh, Mohammad Ali; Baghdar Delgosha, Ali; Investigating the social demands of women in the newspapers of the constitutional era (with an emphasis on women's letters in Iran No newspaper). Women and society quarterly. No. 1.
33. Bammad, Mehdi (1387), biography of Iranian noblemen. Tehran: Zavar.
34. Beheshti Serest, Mohsen; Parvish, Mohsen (2014). Women's socio-cultural demands published in the Ghajar era press (with an emphasis on Name Banovan). Women's Quarterly in Culture and Art. Vol. 7, No. 3.
35. Bitarafan, Mohammad; Yazdani, Sohrab; Moftakhari, Hossein; Fallah Tutkar, Hojjat (2016). The Constitutional Revolution and the Protest against the Educational and Nurturing Status of Women in Iran (1906-1909). Social Science Quarterly. Vol. 24, No. 79.
36. Daulatabadi, Siddiqa (1377). Letters, writings, memories. Through the efforts of Afsaneh Najmabadi and Mahdokht Sanati. Tehran: Negaresh Va Negaresh Zan.
37. Dejm, Uzra; Mahjoub, Nelly; Niki Mahjoub; Bokai, Leila (2004). The first women. Tehran: Elm.
38. Documents Center of the National Assembly, Vol. 17, Carton 46, Folder 2, 11. Detailed Negotiations, Second Session, 14th Session, 17th Session.

39. Farhangistan letter, 1303.
40. Gol Zard newspaper, 1338.
41. Hijazi, Banafsheh (1388). Iranian women fighters from the constitutional revolution to the Islamic revolution. Tehran: Mehri
42. International Institute of Social History (Amsterdam, Netherlands), Document No. 1017 A9, 107 A14, 1017 A16, 1017 A17, 1017 A18, 1017 A1.
43. Iran No newspaper, 1327 AH.
44. Iranian press documents (1330-1286) (1372). Verified by Kaveh Bayat and Masoud Kohestaninejad. Tehran: National Documents Organization of Iran.
45. Iranshahr newspaper, 1302.
46. Kaveh newspaper, 1338.
47. Khandaniha magazine, 1339 Sh.
48. Khaniki, Hadi; Kihani, Masoumeh (2012). A model for studying women's press in Iran. Tehran: Cultural Studies and Communication. No. 28.
49. Majlis newspaper, 1324.
50. Mohit Tabatabai, Mohammad (1366). Analytical history of Iranian press. Tehran: Besat.
51. National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA): Document No. 297/10629; 11184/297; 36467/297; 297/37255; 230/20075, 297/36081; 297000369, 29701/243.
52. Nazim Al-Islam Kermani, Mohammad (1362). The history of the awakening of Iranians. Verified by Ali Akbar Saidi Sirjani. Tehran: Agah.
53. Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan Quds Razavi, document number 395 D 779 A.
54. Shokoofeh newspaper, 1331. AH and 1333. AH.
55. Statistics of female national schools (1304). Journal of education and training. Vol. 8-9.
56. Women's information magazine, 1339 and 1340 Sh.
57. Women's language newspaper, 1331. AH, 1338. AH, 1300. AH, 1321. AH, 1323. AH, 1324. AH.
58. Yazdani, Sohrab (1386). Sure Esrafil: Freedom letter. Tehran: Nashre Ney.